

درس اول

ضرورت بازنویسی

موضوع

معمولاً آثار نویسندگان بزرگ، چند بار پیش‌نویس می‌شوند و نویسندگان هم تأیید می‌کنند که پیش‌نویس اول، لازم نیست حتماً بی‌نقص باشد.

بند مقدمه

بسیاری از نویسندگان خیلی رُک و پوست‌کنده به شما خواهند گفت که اولین پیش‌نویس اثرشان، جنایتی در حق بشریت است. اما آنها به هر حال این پیش‌نویس اول را می‌نویسند، چون هیچ‌کس نمی‌تواند بدون نوشتن پیش‌نویس اول، نسخه یا پیش‌نویس دومی بنویسد.

بند 1

اکثر نویسندگان در دو حالت متفاوت، کار می‌کنند: حالت خلاق و حالت ویرایشی. حالت خلاق، در این حالت شما به خودتان اجازه امتحان کردن کارهای جدید را می‌دهید و در عین حال به این مسئله آگاهید که این کارها ممکن است درست باشد و یا ممکن است نادرست باشد. مزخرف نوشتن در حالت خلاق، اشکالی ندارد. پس سعی کنید وقتی خلاق هستید، کمی در نوشتن، بی‌پروا باشید.

بند 2

حالت ویرایشی، در حالت ویرایشی، هدف شما جمع و جور کردن افضاحی است که در حالت خلاق به بار آورده‌اید. در این حالت، شما آنچه را نوشته‌اید، جوری بازنویسی و اصلاح می‌کنید که معنی بدهند.

بند 3

خشکی قلم و ناتوانی در نوشتن، زمانی اتفاق می‌افتد که نویسنده سعی می‌کند، هم‌زمان در دو حالت خلاق و ویرایشی بنویسد. هرگز این کار را نکنید. این کار مثل این است که موقع رانندگی یک پا را روی گاز بگذارید و با پای دیگر ترمز بگیرید. کمی نوشتن و بعد کمی ویرایش کردن اشکالی ندارد؛ همان طور که از قدیم گفته‌اند، اول بنویس! بعد درستش کن.

بند 4

به خودتان اجازه دهید، پیش‌نویس اولیه بدی بنویسید و این جمله را روی یک تکه کاغذ بنویسید: «من اختیار تام دارم که یک پیش‌نویس چرند بنویسم؛ چون پیش‌نویس اکثر نویسندگان چرند هستند؛ نوبت به اصلاح که رسیده؛ درستش می‌کنم.»

بند 5

پس اولین کاری که به عنوان یک نویسنده، انجام می‌دهید، باید این باشد که به خودتان اجازه نوشتن یک پیش‌نویس اولیه را بدهید.

بند نتیجه

◆ (داستان نویسی، اینگرینشن و اکونومی)

درست‌نویسی

◆ او، گاهی، به سفر می‌رود.

◆ او، گاهاً به سفر می‌رود.

جملهٔ اول، درست است؛ زیرا تتوین نشانهٔ ویژهٔ کلمات عربی است. واژه‌های فارسی (دوم، ناچار) نیازی به این نشانه ندارند. به‌کارگیری این نشانه برای واژه‌های فارسی و غیرعربی، روا نیست.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ این موضوع را تلفظاً به‌دوستم گفتم.

.....

◆ برای حفظ میهن جاناً و مالاً باید تلاش کرد.

.....

برای حفظ میهن جانی و مالی باید تلاش کرد

پرسش

پاسخ

اسیف

درس دوم

این متن به زبان معیار نوشته شده است

از بکار بردن واژه‌های گفتاری پرهیز شده

ترتیب جمله های به زبان نوشتار آمده است

(ب)

این نوشته به صورت زبان گفتار نوشته شده است

کلمات به صورت شکسته آمده اند

ترتیب جمله ها گفتاری است



درست‌نویسی

به جمله‌های زیر توجه کنید:

◆ حاج خانم پروانه ایرانی، از سفر مکه بازگشت.

◆ حاجیه خانم پروانه ایرانی، از سفر مکه بازگشت.

جمله نخست، درست است. زبان فارسی برای جنس مؤنث و مذکر، یکسان به کار می‌رود و نشانه‌ای ویژه برای هر یک ندارد؛ یعنی یک صفت را برای مذکر و مؤنث، به طور یکسان به کار می‌برد.

جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ مراسم بزرگداشت خانم مرحومه ایرانپور برگزار شد.

کتاب‌های ارزشمند گلستان و بوستان را سعدی نوشت

◆ در میان زنان شاعره، پروین اعتصامی از همه نام‌آورتر است.

این تمرین را دانش آموزان علاقه مند به نگارش پاسخ می‌دهند

درس سوم

♦ متن زیر را بخوانید و مشخص کنید که کدام بخش آن، به نقاشی نزدیک‌تر شده است.

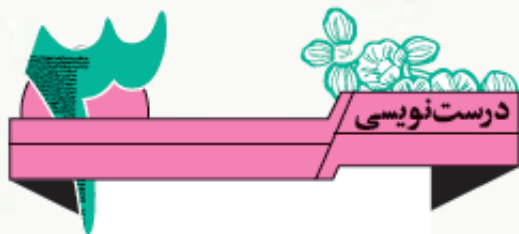
صندوقچه مادر بزرگ

صندوقچه مادر بزرگ، گنجینه خاطرات من بود. مادر بزرگم همیشه با دیدن من سراخ صندوقچه قدیمی‌اش می‌رفت و نقل و نباتی دستم می‌داد؛ انگار تمام دارایی‌های مادر بزرگ در آن صندوقچه بود. همیشه در آن را با دقت قفل می‌کرد.

صندوقچه به شکل مستطیل و چوبی بود و روکشی پر نقش و نگار از جنس فلز داشت که بر روی چارپایه چوبی خود در کنج اتاق مادر بزرگ، جا خوش کرده بود. درش به سمت بالا باز می‌شد و دوباره به طرف پایین می‌آمد و روی آن را می‌پوشاند. بر دیواره جلویی آن سه ردیف حلقه بر بدنه صندوق قرار داشت که میله‌ای فلزی از میان آنها عبور می‌کرد و قفلی به شکل نیم‌دایره در آن حلقه‌ها جای می‌گرفت و مادر بزرگ چند بار کلید را در آن می‌چرخاند تا قفل شود؛ کلید به رنگ قهوه‌ای سوخته بود و شبیه پیچ، خطوط دایره‌ای به دور آن چرخیده بود.

دنباله این کلید، نخ‌کلفت و خاکی رنگ، به طول بیست سی سانت داشت که به روسری گلدار و بلند مادر بزرگ گره می‌خورد و بلافاصله بعد از قفل کردن در جیب داخلی سمت چپ جلیقه مادر بزرگ جا می‌گرفت. گاهی هم برای اطمینان بیشتر آن را از سوراخ جا دکمه‌ای جلیقه رد می‌کرد و بعد در جیبش جا می‌داد تا دیگر دست هیچ سارقی به آن نرسد. اصلاً کسی جرئت نمی‌کرد به آن، چپ نگاه کند.

خلاصه، تمام شکل و شمایل صندوق، درست و دست نخورده، هنوز در ذهن من باقی است. من در خاطراتم دنبال آن روسری و جلیقه مادر بزرگ می‌گردم تا شاید کلید صندوق را بیابم و اسرار کودکی‌های خود و نفس‌های مادر بزرگم را در آن پیدا کنم.



♦ کتابی را که هفته پیش خریده بودم، خواندم.

♦ کتابی که هفته پیش خریده بودم را، خواندم.

جمله اول درست است؛ چون حرف «را» در جای خود؛ یعنی بعد از مفعول (کتاب) آمده است. «را» در زبان معیار امروز نشانه مفعول است و پس از مفعول می آید.

♦ جمله های زیر را ویرایش کنید:

♦ مردمی با مشت های گره کرده که پیش می رفتند را دیدم.

.....مردمی.....را.....که.....با.....مشت.....های.....گره.....کرده.....پیش.....می رفتند.....

♦ گلی که بوی خوشی داشت را بوییدم.

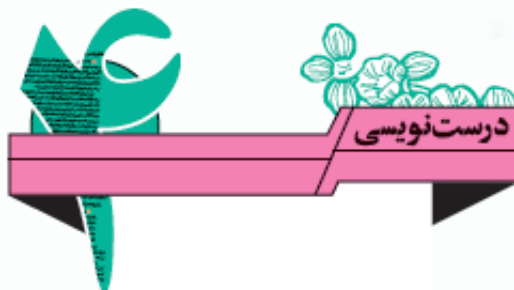
.....گلی.....را.....که.....بوی.....خوشی.....داشت.....بوییدم.....

درس چہارم

♦ متن زیر را بخوانید و مشخص کنید که نویسنده در کدام بخش، تحت تأثیر قوه شنیداری خود قرار گرفته است.

... کژال بر پوست گرگ چنگ کشید و فریاد زد: «هه زار... هه زار! خاکم به سر!» گرگ قنداقه به دهان گرفت و دوید. کژال به دنبال او زمین را خیش می‌کشید، مویه می‌کرد و روناک را صدا می‌زد.
خم شد و سنگ برداشت.
 اگر به روناک بخورد!
 سنگ را به زمین انداخت، زار زد و دوید. صورت خراشید و دوید. گرگ پاره تنش را می‌برد.
 روناک مثل بره‌ای، دست‌هایش را در هوا تکان می‌داد. گردنش به عقب خم شده بود و صدای نازک گریه‌اش، سنگ‌های بیابان را می‌خراشید.
 کژال به موهای چنگ زد، لنگه گالشش از پایش افتاد. سنگ‌ها پایش را کوبیدند.
روناک! .. روناک! دایه‌ات بمیره، روله.
دشت یک پارچه صدا شده بود و ناله و مویه. باد صدای کژال را غلتاند و با خود برد. «آزاد» سر زمین بود که فریاد کژال را شنید. هراسان ماند: «صدا از کدام طرف می‌آید؟»
باز هم جیغ. آزاد دوید. صدا از سمت تپه بود. کسی کمک می‌خواست. گام انداخت و دوید. صدا او را به خود می‌خواند. چشم آزاد از دور جسمی را که تند و تند به طرف او می‌آمد، دید و لحظه‌ای بعد، گرگ نزدیک آزاد رسیده بود و آن دورتر، کژال پا برهنه و بر سر زنان می‌دوید. وقت فکر کردن نبود. آزاد نباید می‌ماند. دندان بر دندان می‌سایید. گرگ مقابل آزاد بود. قنداقه روناک به دهانش بود. روناک خفه گریه می‌کرد و گرگ خرناسه می‌کشید. آزاد محفل نماند....

♦ (داستان کژال)



♦ دانش آموزان این کلاس، در کارهای گروهی، پشاهنگ هستند.

♦ دانش آموزان این کلاس، در کارهای گروهی، پیش آهنگ هستند.

جمله نخست، درست است زیرا هرگاه بخش دوم کلمه های ترکیبی با نشانه « آ » شروع شود، فاصله از میان دو بخش، برداشته می شود، علامت مد، حذف می گردد و کلمه را پیوسته می نویسیم.

جمله های زیر را ویرایش کنید:

♦ امروز، هم آیش دانش آموزان خوش فکر، برگزار می شود.

.....امروز.....همایش.....دانش.....آموزان.....خوش.....فکر.....برگزار.....میشود.....

♦ اگر بدخواهان، در هم آوردی نابرابر، زورگویی پیشه کنند، تسلیم نخواهیم شد.

اگر.....بدخواهان.....در.....همآوردی.....نابرابر.....زورگویی.....پیشه.....کنند.....تسلیم.....نخواهیم.....شد

درس ششم

♦ متن‌های زیر را بخوانید و مشخص کنید، کدام متن بر پایه شیوه مقایسه نوشته شده است؟

♦ الف) قد نسبتاً کشیده‌ای داشت که کمی پشتش را خمیده نشان می‌داد. چهره‌اش سفید و کم گوشت بود، دماغ کشیده و نوک تیز و پیشانی صاف و مرتبی داشت که در وزش باد، قسمتی از آن را موهایش می‌پوشاند. حالت چشمانش آرام بود و در قعرشان موجی از غم در آرامشی ناگوار بیخ بسته بود. چانه استخوانی و صافی داشت که دهانش را زیباتر جلوه می‌داد، موهای بلندش که دور گوش‌ها و گردنش را پوشانده بود، قدری تیره‌تر از رنگ ساقه‌های درو شده گندم بود.

(کارنامه سپنج)

♦ ب) صبح بود و پرتو آفتاب مانند طلاروی امواج ملایم دریا می‌درخشید. نزدیک به یک کیلومتر دور از ساحل یک قایق ماهیگیری آب را شکافته، به پیش می‌رفت. از سوی دیگر هلله و آوای مرغان دریایی که برای به دست آوردن غذای خود به ساحل روی آورده بودند در فضا طنین افکنده بود. روز بر تحرک دیگری شروع می‌شد.

(پرنده‌ای به نام آذرباد)

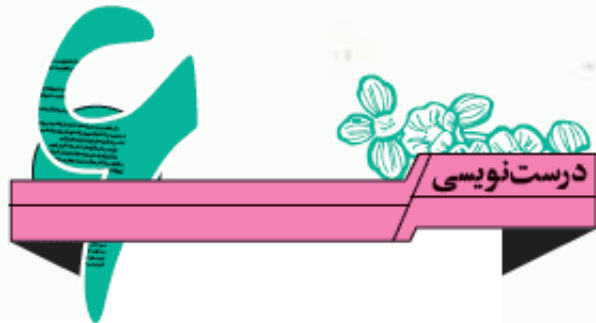
♦ پ) هر دسته از مردم، مقررات ویژه‌ای برای آداب معاشرت دارند. دست دادن با دوستان در هنگام ملاقات در بسیاری از بخش‌های جهان معمول است. چینیان به جای اینکه به یکدیگر دست بدهند، دو دست خود را بر هم می‌گذارند و تکان می‌دهند. در بسیاری از کشورها برداشتن کلاه، نشان ادب است ولی بومیان غنا در افریقا به جای این کار، قبای خود را از یک شانه به پایین می‌اندازند.

(آیین نگارش، سال اول دبیرستان، ۱۳۵۳)

قسمت "پ" بر اساس مقایسه نوشتنش ده است

اما دو قسمت دیگر مقایسه ندارند

در قسمت ب آداب و رسوم ملت‌ها را با هم بررسی نموده است



- ◆ همهٔ نویسندگان، خواندن آثار بزرگان را گامی مهم برای رشد می‌دانند.
- ◆ همهٔ نویسنده‌گان، خواندن آثار بزرگان را گامی مهم برای رشد می‌دانند.
- ◆ جملهٔ اول صحیح است. کلمه‌هایی که به نشانهٔ بیان حرکت «ه» ختم می‌شوند، هنگامی که نشانهٔ جمع «ان» یا نشانهٔ «ی» را بخواهیم به آخر آنها اضافه کنیم، به ترتیب این‌گونه نوشته می‌شوند (نویسندگان و نویسندگی) و نشانهٔ بیان حرکت «ه» دیگر ظاهر نمی‌شود.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

- ◆ شرکت کنندگان در مراسم امروز، از عملکرد دانش‌آموزان این مدرسه، خرسند بودند.

شرکت کنندگان در مراسم امروز از عملکرد دانش‌آموزان این مدرسه خرسند

بودند

- ◆ نخبه‌گان با دیدگانی باز و با آگاهی، همهٔ امور را پی می‌گیرند.

نخبگان با دیدگانی باز و با آگاهی همهٔ امور را پی می‌گیرند

درس هفتم

◆ کدام یک از متن های زیر، با موضوع این درس (توصیف به روش جانسین سازی) تناسب بیشتری دارد؟ دلیل انتخاب خود را توضیح دهید.

◆ (الف) «هنوز در جست و جوی نشان امید بخشی، زیر چشمی به کنده کاری چهره اش نگاه می کردم که گفت:» به مسافر خانه رسیده ایم. از دریچه ای به این پناهگاه وارد شدیم و از طریق یک راهرو داخل محوطه کوچکی شدیم که به نظرم به قبرستانی هموار شبیه بود. این مهمانخانه به نظر من، ملالت انگیزترین درختان، اندوهبارترین گنجشکان، پریشان ترین گربه ها و دلگیرترین اتاق ها را داشت.»

◆ (آرزوهای بزرگ)

◆ (ب) «سقا دلش برای کوزه شکسته، سوخت و با همدردی گفت: از تو می خواهم در مسیر بازگشت به خانه ارباب به گل های زیبای کنار راه توجه کنی. در حین بالا رفتن از تپه، کوزه شکسته، خورشید را نگاه کرده که چگونه گل های کنار جاده را گرما می بخشد و این موضوع کمی او را شاد کرد. اما در پایان راه باز هم احساس ناراحتی می کرد. چون باز هم نیمی از آب نشت کرده بود. برای همین دوباره از صاحبش، عذر خواهی کرد. سقا گفت: من از ترک تو خیر داشتم و از آن استفاده کردم. من در کناره راه گل هایی کاشتم که هر روز وقتی از رود خانه برمی گشتیم، تو به آن ها آب داده ای.»

◆ (حفده داستان کوتاه)

◆ (ب) سنگی بودم بر سر راهی، هر کسی که به من می رسید، لگدی به من می زد و زور و قدرت خود را به من نشان می داد. گاهی هم مرا زیر پا می گذاشتند و عبور می کردند. تا اینکه روزی، یک چیز غول پیکری با سروصدایی هراس انگیز به طرفم آمد و مرا در میان انبوهی از سنگ و خاک و شن، بلند کرد و بر پشت چیزی سرازیر کرد. دردی سنگین تمام بدنم را فرا گرفت. ساعتی در زیر خرواری از سنگ و شن گذشت. فقط این اندازه فهمیدم که مرا به جایی می برند. حس عجیبی داشتم. تمام خاطرات گذشته ام را مرور کردم. هیچ کدام مثل این، نبود.

نوشته "ب" توصیف به روش جانسین سازی است

چون نویسنده خود را جای سنگ گذاشته و حرف های سنگ را بیان کرده است

درست نویسی

♦ من لوازم مدرسه را خریدم.

♦ من لوازمات مدرسه را خریدم.

جمله اول، درست است؛ زیرا لوازم جمع است و نباید آن را دوباره

جمع بست.

♦ جمله های زیر را ویرایش کنید:

♦ تمام امورات تحصیلی را خودش پیگیری می کند.

تمام امور تحصیلی را خودش پیگیری میکند

♦ او در مراسمات رسمی، خوب سخنرانی می کند.

او در مراسمات رسمی، خوب سخنرانی میکند

درس هشتم



فعالیت‌های نگارشی

♦ متن زیر را بخوانید و تفاوت نگاه دو شخصیت (پدر و پسر) را بتوبیسید.

یک بار پدر بسیار ثروتمندی پسرش را به روستایی برد تا او را با شیوه زندگی افراد آنجا آشنا سازد. آنان دو شبانه‌روز در مزرعه خانواده تهیدست و فقیری به سر بردند.

در راه برگشت، پدر از پسر پرسید، سفر چگونه بود؟

پسر گفت: عالی بود پدر.

پدر گفت: زندگی مردم فقیر را دیدی؟

پسر گفت: آری، پدر عزیزم.

پدر پرسید: از آنان، چه آموختی؟

پسر گفت: ما گوسفند نداریم؛ ولی آنان چند گوسفند دارند. حوض خانه ما تا وسط باغ کشیده شده؛ اما رودخانه آنان بی‌پایان است. سراسر باغ ما را چراغ‌ها روشن می‌کنند، ولی شب‌های آنان را ستاره‌ها روشن می‌کنند. ما قطعه زمین کوچکی برای زندگی داریم، ولی کشتزار آنان بسیار گسترده است. ما تمام غذایمان را می‌خریم؛ آنان بیشتر نیازهای غذایی را خودشان پرورش می‌دهند... با شنیدن حرف‌های فرزند، پدر سرش را به زیر انداخت و خاموش شد. پسر افزوده پدرجان! از شما سپاسگزارم که به من نشان دادی، ما چقدر فقیریم.

(دبرا استیت، مترجم: الهام مؤدب، با تغییر و بازنویسی)

دو شخصیت هر کدام از منظر خود به قضیه نگاه میکنند پسر از دیدگاه

ارامش و وسعت پدر از دیدگاه ثروت در واقع زندگی بیرونی

یکی است اما دیدگاهها فرق میکند

درست‌نویسی

◆ آرش، تیری بیفکند و پرچم پیروزی ایرانیان را برفراز کوه، بيفراشت.

◆ آرش، تیری بافکند و پرچم پیروزی ایرانیان را برفراز کوه، بافراشت.

شیوه نوشتاری جمله‌اول، درست است. زیرا در نوشتار معیار امروز، هرگاه حرف‌های «ب، پ، م» بر سر فعل‌هایی قرار بگیرند که با نشانه همزه «ا» آغاز شده باشند، هنگام نوشتار، حرف «ی» جانشین همزه می‌شود.

مانند: انداز ← بینداز، انگیخت ← بینگیخت، افروخت ← بیفروخت.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ با تلاش فراوان می‌توانستند علوم بسیاری باندوزند.

با تلاش فراوان می‌توانستند علوم بسیاری بیندوزند

◆ هرگز، فرصت امروزت را به فردا، مافکن.

هرگز فرصت امروزت را به فردا میفکن



جزوه های بیشتر (کلیک کنید):

جزوه های هشتم

نمونه سوالات هشتم

گام به گام رایگان هشتم

جهت دانلود جدید ترین مطالب بر روی پایه خود روی لینک های زیر کلیک کنید.



ابتدایی

اول ✓ دوم ✓ سوم ✓ چهارم ✓ پنجم ✓ ششم ✓

متوسطه اول

هفتم ✓ هشتم ✓ نهم ✓

متوسطه دوم

دهم ✓ یازدهم ✓ دوازدهم ✓